



## نگاهی به استقبال مخاطبان از اکران نوروزی؛

# اکران در بحران

پایلی کریمی

اکران نوروزی ۱۴۰۴ با ثبت فروش حدود ۲۱۳ میلیارد تومان و جذب بیش از دو میلیون و ۴۰۰ هزار مخاطب، یکی از بحث‌برانگیزترین فصل‌های اکران سال‌های اخیر بود. در حالی که به ظاهر، آمار فروش رشد داشته است، واقعیت این است که افزایش قیمت بلیت عامل اصلی این رشد بوده و در حقیقت، کاهش محسوس تعداد مخاطب نسبت به سال‌های گذشته نشان‌دهنده افت نسبی استقبال عمومی از سینما در این دوره است.

سینمای ایران در فصل نوروز، همواره با نگاه امید به رونق، آغازگر سالی تازه بوده است. بسیاری از فیلم‌سازان و پخش‌کنندگان، این فرصت را بهترین زمان برای نمایش آثار خود می‌دانند، چرا که تعطیلات نوروزی زمینه‌ای برای جذب مخاطب گسترده فراهم می‌کند. با این حال، اکران نوروزی ۱۴۰۴ بیش‌تر از آنکه نشانی از پویایی و موفقیت باشد، آینه‌ای از چالش‌ها، ناهماهنگی‌ها و مشکلات انباشته صنعت سینما در ایران بود. در این گزارش، ضمن مرور آثار مهم اکران شده، به تحلیل نقاط ضعف و قوت این دوره پرداخته‌ایم تا تصویری دقیق‌تر از وضعیت فعلی سینما ارائه شود.

### دایناسور و فروش خیره‌کننده

فیلم «دایناسور» به کارگردانی مسعود اطیابی و تهیه‌کنندگی سید ابراهیم عامریان، با فروش خیره‌کننده ۸۱ میلیارد تومان و جذب ۹۲۷ هزار مخاطب، صدرنشین مطلق جدول اکران نوروزی ۱۴۰۴ شد. این فیلم که در ادامه مسیر کم‌دیدی‌های عامه‌پسند کارنامه اطیابی همچون «تگزاس»، «انفرادی» و «دنیامیت» ساخته شده، بار دیگر بر ترکیب آزمون‌شده طنز موقعیت، شوخی‌های کلامی، شخصیت‌پردازی اغراق‌آمیز و بازی ستاره‌های محبوب تکیه دارد؛ فرمولی که اگرچه از دید منتقدان نخ نما و قابل پیش‌بینی است، اما در گیشه همچنان کارآمد به نظر می‌رسد.

داستان فیلم درباره‌ی شخصیتی به نام رضا دایناسور (با بازی پژمان جمشیدی) است؛ کارمندی معتاد که در آستانه‌ی اخراج از محل کار، تنها راه نجاتش ارائه‌ی گواهی عدم اعتیاد است. او با ترفندها و روش‌هایی گاه خنده‌دار، گاه خطرناک و غیراخلاقی، تلاش می‌کند مواد را از بدن خود خارج کند. اما درست در روز آزمایش، زنجیره‌ای از اتفاقات غیرمنتظره رخ می‌دهد که نه تنها نقشه‌های رضا را به هم می‌ریزد، بلکه اطرافیان‌ش را نیز درگیر یک بحران خنده‌دار می‌کند. هسته داستان بر پایه طنز موقعیت، تضاد شخصیتی و اشتباه‌های پشت سر هم پیش می‌رود و در میان شوخی‌های متنوع، به نقدهایی اجتماعی از وضعیت کاری، اداری و فرهنگی هم طعنه‌هایی می‌زند.

پژمان جمشیدی در نقش اصلی، همچنان با همان الگوی بازی تیپیکال خودش ظاهر می‌شود؛ مردی بی‌دست‌وپا، ساده‌دل و عصبی که به واسطه بدشانسی‌های زنجیره‌ای در دردمر می‌افتد. در کنار او، هادی کاظمی به‌عنوان دوست و همراه رضا، فضای کمیک فیلم را تقویت کرده و مکمل خوبی در صحنه‌های دو نفره شکل می‌دهد.

اگرچه بسیاری از منتقدان، فیلم را اثری تکراری

و مبتنی بر شوخی‌های تاریخ‌مصرف گذشته می‌دانند، اما واقعیت این است که «دایناسور» توانست همان‌طور که بزرگ‌نوروز امسال یعنی نبود یک کم‌دیدی پر فروش مردمی را پر کند. در شرایطی که اغلب فیلم‌ها یا اجتماعی سنگین بودند یا محتوای کودک‌پسند داشتند، «دایناسور» با لحنی ساده، روایت خطی و فضایی پر تحرک، انتخاب بسیاری از خانواده‌ها در تعطیلات نوروز شد؛ به‌ویژه در شهرهای کوچک، شهرستان‌ها و سالن‌های خارج از تهران.

از نظر تولید، فیلم استاندارد معمولی دارد. طراحی صحنه، نورپردازی و تدوین، در حد انتظار فیلم‌های تجاری ایرانی ست و چیز خاصی از نظر بصری یا ساختاری ارائه نمی‌دهد، اما ضرباهنگ خوب، شوخی‌های عامه‌پسند و بازی‌های هماهنگ، باعث می‌شود فیلم تا پایان برای مخاطب قابل پیگیری باقی بماند.

در نهایت، هرچند «دایناسور» از نظر منتقدان اثری خلاقانه یا مهم تلقی نشد، اما از نظر عملکرد در گیشه، به‌عنوان موفق‌ترین فیلم فصل، توانست انتظارات اقتصادی سینماگران را برآورده کند. این فیلم بار دیگر نشان داد که هنوز هم یک کم‌دیدی استاندارد، اگر درست بازاریابی و پخش شود، می‌تواند در ساختار کودزده سینمای ایران نفس تازه‌ای بدمد.

### موسی کلیم‌الله اثری فاخر

فیلم «موسی کلیم‌الله» به کارگردانی ابراهیم حاتمی‌کیا و تهیه‌کنندگی سید محمود رضوی، دومین فیلم پر فروش نوروز ۱۴۰۴ بود که با فروش ۳۴ میلیارد تومان و جذب ۴۴۵ هزار مخاطب، جایگاه درخوری در جدول گیشه به‌دست آورد. این پروژه عظیم و پرهزینه، که سال‌ها در مرحله پیش تولید و توسعه قرار داشت، نخستین تجربه حاتمی‌کیا در بازنمایی زندگی یکی از پیامبران اولوالعزم در قالب سینمایی است؛ روایتی که در عین وفاداری به خط



در شرایطی که اغلب فیلم‌ها یا اجتماعی سنگین بودند یا محتوای کودک‌پسند داشتند، «دایناسور» با لحنی ساده، روایت خطی و فضایی پر تحرک، انتخاب بسیاری از خانواده‌ها در تعطیلات نوروز شد

کلی داستان قرآنی، تلاش می‌کند نگاهی دراماتیک، انسانی و حماسی به شخصیت حضرت موسی (ع) داشته باشد.

فیلم از کودکی موسی در دربار فرعون آغاز می‌شود و با تمرکز بر دوره بلوغ فکری، نزاع با دستگاه سلطنت، پیامبری، معجزات الهی و رهبری قوم بنی‌اسرائیل ادامه می‌یابد. برخلاف روایت‌های کلاسیک مذهبی، این فیلم در پی آن است تا وجه انسانی شخصیت موسی را برجسته کند؛ انسانی گرفتار تردید، درگیر وظیفه، و در برابر آزمون‌های معنوی، گاه خسته و شکاک.

در نقش والدین موسی، میرزا زارعی و علیرضا کمالی حضوری پررنگ دارند؛ نقشی که در سکانس‌های بازگشت به گذشته و فضای عاطفی کودک‌پیمایر، لحنی احساسی و باورپذیر به فیلم می‌دهد. بهاره کیان‌افشار در نقش آسیه (همسر فرعون)، با پرداختی ظریف و مادرانه، لحظاتی آرام و درخشان برای فیلم خلق می‌کند. از سوی دیگر، بهنام تشکر در نقش فرعون، یکی از متفاوت‌ترین بازی‌های کارنامه‌اش را ارائه می‌دهد: چهره‌ای خودکامه، بی‌رحم و متزلزل که در مواجهه با نشانه‌های الهی، نوسان رفتاری عجیبی دارد و اجرای او مورد تحسین گسترده مخاطبان قرار گرفته است.

از لحاظ فنی، «موسی کلیم‌الله» یکی از شاخص‌ترین آثار تولیدشده در سینمای ایران طی سال‌های اخیر است. طراحی لباس و صحنه با الهام از مصر باستان، استفاده از جلوه‌های ویژه ترکیبی، تصویربرداری در مقیاسی وسیع و موسیقی متن ارکسترال، تجربه‌ای بصری و شنیداری خلق کرده‌اند که یادآور آثار تاریخی پرخرج است. استفاده از زبان رسمی در دیالوگ‌ها و وفاداری به متون دینی، فضای فیلم را جدی، باشکوه و در عین حال سنگین کرده است.

با این حال، فیلم از نقدهایی نصیب نماند.